

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقیقت شریعت
و دین واحد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى كُلِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَجَعَلْهُمُ



عنوان مقاله:

حقیقت شریعت و دین واحد

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

مبنتی بر نصوص، کیفیت تشریح نزد خداوند متعال به چه صورت بوده است؟

دین واحد معهود و معروف نزد خداوند تبارک و تعالی چیست؟

حقیقت و محکم معنای شریعت واحد چیست؟

إبلاغ این شریعت واحد به أنبیاء به چه صورت بوده است؟

تمایز شریعت اتم و اکمل محمدی با سایر شرایع در چیست؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»^۱؛

همان دینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم، و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه نکنید. و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند.

شریعت واحد

امر به تفقه در دین، تکلیفی واجب بر ذمه همه مکلفین می‌باشد.^۲ در راستای این امر عظیم، به مذاقه در آیه ۱۳ سوره مبارکه شوری می‌پردازیم که اشاره به شریعت و دین واحد نزد خداوند متعال دارد که به هر یک از انبیاء ابلاغ شده و نزد آنان به ودیعه گذاشته شده است؛ چرا که می‌فرماید، آن دینی که برای خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱. سوره مبارکه شوری، آیه ۱۳

۲. از دیگر نصوصی که دلالت بر امر به تفقه در دین دارد، عبارتند از:
«عَلَيْكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا، فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُرَكَّ لَهُ عَمَلًا».

الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۱

«تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَ لَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُرَكَّ لَهُ عَمَلًا».

المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۸

«تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، وَ فَضْلُ الْفَقِيهِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ، وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ، لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا».

تحف العقول، النص، ص ۴۱۰



تشریح شده، همان دینی است که به انبیای دیگر چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و سایر انبیاء نیز تعلیم و ابلاغ شده بود. حال، اگر قرآینی دال بر منسوخ شدن پاره ای از احکام در شرایع سابق ملاحظه می شود، این به معنای بطلان آن احکام نیست، بلکه حاکی از اتمام ظرف زمانی آن حکم است، زیرا برخی احکام مختص قوم خاص و متعلق به زمان محدودی بوده اند. پس این دین واحد همان دین معهودی بوده که نزد انبیاء الهی به ودیعه گذاشته شده بوده و از ایشان خواسته شده تا آنرا اقامه کنند و در آن تفرقه نکنند، به همین دلیل بر سر دین، الف و لام عهد نشسته است: «الدِّین».

اسلام همان دین واحد

آن دین واحد و معهود نزد خداوند متعال از ازل إلى یوم القیامة همان اسلام است؛

چنانچه در سوره مبارکه بقره، آیه ۱۳۶ آمده است:

«قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛

بگوئید ایمان آوردیم به خداوند و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانش نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شد، و به آنچه پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شدند. ما میان هیچ یک از آنها فرق نگذاریم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.

دینی که به جمیع انبیاء ابلاغ شده، واحد بوده، و ما به همه آن ایمان داریم، چراکه میان هیچ یک از آنها فرقی نیست، لذا می فرماید: «نحن له مسلمون»؛ ما مسلمانیم و پیرو



اسلام هستیم؛ یعنی: تسلیم امر خدا در این شریعت واحد هستیم. (مشابه همین آیه مبارکه در سوره مبارکه آل عمران، آیه ۸۴ نیز آمده است).

نیز در آیه شریفه ۱۹ سوره آل عمران آمده است:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛

قطعا آن دین معهود و معروف نزد خداوند همان اسلام است.

ولایت، حقیقت دین واحد (اسلام)

حقیقت این دین واحد یا اسلام، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد؛

چنانچه در تفسیر مآثور آیه مبارکه ۱۹ سوره آل عمران آمده است:

«الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِالْوَلَايَةِ»^۳؛

اسلام همان تسلیم ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

از آیه مبارکه و تفسیر مآثور آن چنین نتیجه گرفته می شود:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ التَّسْلِيمُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِالْوَلَايَةِ»؛

قطعا دین واحد معهود و معروف نزد خداوند تبارک و تعالی (اسلام) همان تسلیم ولایت اب الأئمه علی بن ابیطالب (علیه السلام) است.

البته مستندات به استفاضه بر این حقیقت تصریح کرده اند:

چنانچه در تفسیر بخش پایانی آیه مبارکه ۱۳ سوره شوری «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» آمده است:

۳ . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۵، ص ۳۴۱



«الْإِمَامُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ، كِنَايَةٌ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ثُمَّ قَالَ: كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ وِلَايَةِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»^٤؛
منظور از اقامه دین، اقامه ولایت امام (امیرالمومنین علی علیه السلام) است.

از حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نیز روایت شده است که فرمودند:
حقیقت دین، امیرالمومنین علی (علیه السلام) می باشند؛
«الدِّينُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)»^٥.

امام باقر (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه مبارکه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» فرمودند:
آن دینی که خداوند برای شما برگزیده که نمی‌رید مگر اینکه تسلیم آن دین شده باشید؛
یعنی "تسلیم لَوْلَايَةِ عَلِيٍّ (علیه السلام)"^٦.

حضرت السید السبط الاکبر مولانا امام حسن بن علی المجتبی (علیهما السلام) ضمن
خطبه ای مفصل در این خصوص فرموده اند:
«نَحْنُ الدِّينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا الدِّينَ، فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: "شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ" وَ كُونُوا عَلَى جَمَاعَةِ مُحَمَّدٍ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ... بِنَا فَتَحَ اللَّهُ الدِّينَ وَ بِنَا يَخْتِمُهُ، مَنْ فَارَقَنَا هَلَكَ وَ مَنْ اتَّبَعَنَا لِحَقِّ بِنَا، وَ التَّارِكُ لَوْلَايَتِنَا كَافِرٌ وَ الْمُتَّبِعُ لَوْلَايَتِنَا مُؤْمِنٌ، لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ وَ لَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ مُحِبُّنَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا»^٧؛

^٤ . البرهان، ج ٤، ص ٨١٢

^٥ . همان، ج ٥، ص ٦٩٣

^٦ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٣٥، ص ٣٤١

^٧ . تفسیر فرات الکوفی، ص ٢٨٥



ماییم آنهایی که خداوند دین را برای ما تشریح کرد و در کتاب خویش فرمود: "آیینی برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده بودیم، این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید" و بر خط امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) باشید.

بر مشرکان گران است آنچه که شما آنان را به سویش دعوت می کنید.

خداوند با ما دین را آغاز کرده و با ما به پایان خواهد برد.

هر کس از ما جدا شود، نابود گردد و هر کس از ما پیروی کند، به ما خواهد پیوست.

هر کس ولایت ما را ترک گوید، کافر است، و هر کس پیرو ولایت ما باشد، مؤمن است.

کافر ما را دوست نخواهد داشت و مؤمن ما را دشمن نخواهد داشت.

هر کس با دوستی ما بمیرد، بر خداوند لازم است که وی را با ما برانگیزد.

بنابراین حقیقت و محکم معنای تشریح (دین) ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند، دین اساساً به سبب وجود مبارک اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم أجمعین) تشریح شده است. لذا آغاز و پایان آن با ذوات مقدسه ائمه اطهار (علیهم السلام) خواهد بود. به بیان دیگر صاحبان دین مأثور، ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند؛ همانطور که در فرازی از زیارت حضرت ولی الله الأعظم (ارواحنا فداه) می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْثُورِ»^۸.

از همین رو، خداوند تبارک و تعالی از همه خلقتش خواسته تا این دین واحد را اقامه کنند و در آن تفرقه ننمایند که این بر مشرکین خداوند که همان مشرکین دین واحد یعنی ولایتند، سنگین و سخت است. لذا هر که از اهل بیت (علیهم السلام) تبعیت کند، سعادت مند است و هر که با ایشان مخالفت کند، هلاک می شود. چرا که کافر همان تارک ولایت است و مومن همان تبعیت کننده از ولایت.

^۸ . المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۵۹۰



به بیان دیگر اینکه شریعت بخاطر اهل بیت (علیهم السلام) تشریح شده، یعنی اگر ایشان نبودند، هرگز احدی معرفت به خداوند متعال پیدا نمی کرد و هرگز عبودیتی محقق نمی شد، و بجای آوردن نماز و روزه و حج و زکات و خمس و ... معنا نداشت.

چنانچه از حضرت اُصدُق الصادقین امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا عُبِدَ اللَّهُ نَحْنُ الْأَدِلَّةُ عَلَى اللَّهِ وَ لَوْلَانَا مَا عُبِدَ اللَّهُ»^۹؛

خداوند تبارک و تعالی به سبب ما شناخته شد و پرستش گردید و ما راهنمایان بسوی خدائیم و اگر ما نبودیم خدا پرستش نمی شد.

به همین دلیل، طبق تصریح نصوص، جمیع اعمال کافرین و منکرین ولایت، حبط و نابود است. همانطور که امام باقر (علیه السلام) در تفسیر قول خداوند عزوجل «وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»، فرمودند:

«الْإِيمَانُ فِي بَطْنِ الْقُرْآنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَمَنْ كَفَرَ بِوَلَايَتِهِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»^{۱۰}؛

ایمان در بطن حضرت قرآن، امیرالمومنین علی (علیه السلام) است، پس آنکه کافر به ولایت شود، عملش نابود و حبط خواهد بود.

چون اساس تشریح به ولایت بوده است، پس بدون ولایت، تشریح که موجب قُرب عبد به معبود می شود، فاقد معنا بود.

إِبْلَاحُ دِينِ وَاحِدٍ بِه جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ

بر اساس مستندات که بیان شد، محرز شد که ولایت آل الله (علیهم السلام) همان حقیقت دین واحد نزد خداوند متعال و اساس تشریح است که به جمیع انبیای الهی تعلیم

۹. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص ۲۶۰

۱۰. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۵، ص ۳۴۸



داده شده و در جمیع کتب ایشان مکتوب گشته و از ایشان برای ابلاغ آن، عهدی اتخاذ شده است.

أحادیث بسیاری در جوامع روایی به این مبحث اختصاص داده شده که از أهم آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

امام صادق (علیه السلام) ضمن روایتی بر این مطلب که اساس نبوت مبتنی بر ولایت بوده تصریح کرده و فرمودند:

«وَلَايَتُنَا وَوَلَايَةُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا»^{۱۱}؛

ولایت ما همان ولایت خداست که خدا هیچ پیغمبری را جز به آن مبعوث نکرد.

امام باقر (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ»؛ و اگر آنان، تورات و انجیل و آن چه را از سوی پروردگارشان بر آن ها نازل شده برپا دارند، فرمودند:

منظور از آن شریعتی که از سوی پروردگار نازل شده، ولایت است.

نیز در کلام مشابهی ذیل آیه مبارکه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر این که تورات و انجیل و آن چه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید. ولی آن چه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آن ها می افزاید، فرمودند:

«منظور از آن چه نازل شده، ولایت امیرالمومنین علی (علیه السلام) است».^{۱۲}

۱۱ . الکافی، ج ۱، ص ۴۳۷

۱۲ . الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۱۳؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۷۴



امام کاظم (علیه السلام) مبتدای نبوت انبیاء و کتب آنها بر ولایت محمد و آل محمد (علیهم السلام) تأکید کرده و فرمودند:

«وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِنُبُوءَةِ مُحَمَّدٍ وَ وَلَايَةِ وَصِيِّهِ عَلِيٍّ»^{۱۳}؛

ولایت حضرت علی (علیه السلام) در کتاب جمیع انبیاء نوشته شده و خداوند پیامبری را مبعوث نکرد، مگر به نبوت محمد و ولایت وصی او علی (علیهما السلام).

از امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز روایت شده که فرمودند:

«إِنَّ وَلَايَةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ هِيَ الْغَرَضُ الْأَقْصَى وَ الْمُرَادُ الْأَفْضَلُ، مَا خَلَقَ اللَّهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ وَ لَا بَعَثَ أَحَدًا مِنْ رُسُلِهِ إِلَّا لِيَدْعُوَهُمْ إِلَى وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ خُلَفَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ يَأْخُذُ بِهِ عَلَيْهِمُ الْعَهْدُ لِيُقِيمُوا عَلَيْهِ وَ لِيَعْمَلَ بِهِ سَائِرُ عَوَامِّ الْأُمَّمِ»^{۱۴}؛

ولایت محمد و آل محمد (علیهم السلام) هدف نهایی و برترین مقصود الهی از آفرینش است. خداوند متعال، کسی را نیافریده و پیامبری را مبعوث ننموده، مگر برای اینکه آنان را به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) دعوت کند و از آنان پیمان بگیرد که بر این عهد، پایداری نموده و همه امت ها و عامه مردم بدان پایبند باشند و عمل کنند، [یا اینکه رسل مردم را به سوی ولایت برانگیزند و آن را به عامه مردم که با ولایت آشنا نیستند، تعلیم دهند].

بنابراین حقیقت شریعت واحدی که به همه انبیای الهی ابلاغ شده، و برای آن از هر یک از ایشان عهد گرفته شده، چیزی جز ولایت اهل بیت (علیهم السلام) نبوده است. با این تعبیر می توان دریافت که شریعت ابراهیمی، موسوی و عیسوی و ...، همه به سوی همان

^{۱۳} . مراجعه شود به: «باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من

ذلك» از بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۷۲

^{۱۴} . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، ج ۱، ص ۳۷۹



دین واحد یعنی ولایت دعوت کرده اند. و قُطِبَ كَتَبَ جَمَلُهُ أَنْبِيَاءَ، دعوت به این حقیقت بوده است؛ «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَ قُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا»^{۱۵}.

همانطور که در حدیث قدسی خطاب به پیامبر خاتم (صلوات الله علیه) آمده است:
 «إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا جَعَلْتُ عَلِيًّا مَعَهُ سِرًّا، وَ جَعَلْتُهُ مَعَكَ جَهْرًا»؛
 من پیامبری را مبعوث نکردم، مگر اینکه حضرت علی (علیه السلام) در سرِّ با آنها بود و
 علی (علیه السلام) را با تو در جهر و آشکارا قرار دادم.^{۱۶}

شریعت اتمّ و اکمل محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)
 همه انبیاء مأمور به ابلاغ دین (یعنی ولایت) به خلق بوده اند، و اصلاً ایشان "نبی" نامیده شدند، چون خبر از نبأ عظیم یعنی ولایت می دادند. هیچ پیامبری به مقام پیامبری نمی رسید و هیچ رسولی به سوی مردم فرستاده نمی شد، مگر اینکه اقرار به ولایت و برتری ائمه معصومین (علیهم السلام) می کرد؛ «مَا مِنْ نَبِيٍّ نُبِّيَّ وَ لَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا وَ بِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا»^{۱۷}.

اما چون وجود مبارک خاتم الانبیاء، سید المرسلین محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) ولایت اب الأئمه امیرالمومنین و اولاد آن حضرت (علیهم السلام أجمعین) را به معنای اکمل و اتمّ به خلق ابلاغ نمود، خداوند متعال خطاب به ایشان در روز غدیر فرمود:
 «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛

^{۱۵} . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸۹، ص ۲۷

^{۱۶} . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۱۳۶

^{۱۷} . تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۱۲۷



به این معنا که اسلام (یعنی همان دین واحد) در صورت تاریخی خود (روز غدیر)، با معرفی ولایت امیرالمومنین علی (علیه السلام) و اولادش از اوصیای الهی تا حضرت بقیة الله الأعظم (أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) به اِکمال و اِتمام رسید.^{۱۸}

یافته هایی که ضمن بررسی این مقاله به دست آمد:

- در راستای امر تفقه در دین، به مذاقه در تشریح و کیفیت آن پرداختیم.
- از بررسی نصوص بدست آمد که خداوند متعال، شریعت واحدی را به جمیع انبیای خود ابلاغ فرموده است.
- شریعت واحد معروف و معهود نزد خداوند متعال همان اسلام است.
- حقیقت اسلام (یعنی شریعت واحد)، ولایت اهل بیت (علیهم السلام) است که دین اساسا به سبب وجود مبارک ایشان تشریح شده است.
- تشریح و حقیقت و محکم معنای آن از جانب شارع مقدس به جمیع انبیای الهی ابلاغ شده و از آنان جهت ایصال این ابلاغ به خلق عهد گرفته شده است. اساسا بعثت انبیاء و قطب کتب ایشان، همان محکم معنای تشریح یعنی ولایت بوده است.
- تشریح در زمان حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) به سبب ابلاغ ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) در جهر به همه مکلفین اِلی یوم القیامة، به درجه کمال و تمام می رسد.

^{۱۸} . الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۲